

کتابخانه الکترونیکی
http://KetabFarsi.ir



باصطلاح علوم غریبه

محمود زارع

مازندران . ساری . سوربن

الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا محمد بن عبدالله ص و آله الاجمعین الی الآن الی قیام یوم الدین

مقدمه

اینکه آدمی همواره در جستجوی کشف و پی ریزی قوانینی بوده است که بر اساس آن قوانین نسبت به اسرار عالم (عالمین) در حد مقدوراتی را خداوند حکیم بالاستعداد در بشر قرار داده است؛ امری روشن و غیر قابل انکار میباشد ولی آیا در این راه تا چه میزان موفق بوده است و یا خیر و اینکه چه روشها و متدهایی در اینخصوص مناسبتر و صحیح تر بوده است، امری قابل مباحثه میباشد. و مهم آنکه آیا راهی غیر از آن راهی را که از طریق علوم تجربی بشر تاکنون رفته و اتفاقا به نتایج بسیار روشن و درخشانی هم رسیده است، وجود دارد یا خیر موضوعی قابل تامل میباشد که بنظر میرسد که در این باره موضوع دسته بندی موضوعات عالم هستی امری لازم و ضروری است.

قطعا موضوعات تجربی را میتوان از راه علوم تجربی و قوانینی که از راه این علم کشف شده است ، کشف و تجربه کرد ولی آیا تمامی مسائل عالم و یا ساختار عالم هستی را تنها امورات تجربی تشکیل میدهد و اینکه آیا استفاده از فنون و متدها و قوانین علوم تجربی میتوان به امورات فرا حسی و فراتجربی دست یافت هم از مسائل قابل بحث و تاملی بوده است . خلاصه بسیاری را عقیده بر آنست که از راه علوم تجربی تنهامیتوان به کشف پدیده های تجربی دست یافت و با این وصف برای کشف مسائل فرا تجربی بایستی از قوانین و متدهای فراتجربی استفاده کرد که بحث ظریف و عمده و مورد اختلاف در همین گلوگاه نهفته است که آن روش یا متد و یا قوانین فرا تجربی چه قوانینی است و تاکنون چه دستاوردهایی را برای بشر داشته است !

از جمله پهنه ها و گستره هایی که تا حدود زیادی در علوم فرا تجربی همواره مورد بحث و کنکاش بشر بوده است تحت عنوان کلی علوم غریبه در طول تاریخ مدون بشر نمود پیدا کرده است و ای بسا که در این مسیر تردستان فریبکار و خدعه کارانی نابکار با استفاده از جهل عوام و تمسک به این گستره بدروغ دست به سودجویی هایی زده اند که تا حدود زیادی حتی اهل خرد و دانش را نیز به ماهیت و اصل این علم و یا فن دچار شک و تردید و بالطبع بسیاری را بر سر انکار آورده است !

قطعا اشتباهی سیری ناپذیر و بویژه حس کنجکاوی بشر نسبت به آینده و حصول اطلاع از وقایعی که در آینده امکان وقوع دارند ، عده ای سودجو را بر آن داشت تا با سوء استفاده از این گرایش مردم و نیز مشکلاتی را که عده زیادی از مردم داشته و ظاهرا در مراجعه به عوامل تجربی و طبیعی راهی برای گره گشایی آن پیدا نمیکردند ، این عده سودجو را بر آن داشت تا با تشبث به اهل این فن بقصد فریب و خدعه مردم را سرکیسه کرده و تنها بقصد منافع مادی ضمن آنکه آنها را مورد سودجویی قرار داده بلکه مهمتر باعث ضربه های مهلکی به این علوم هم شده اند.

ظاهرا باید قبول کرد که علوم غریبه را علمی ارثی باید دانست که از اولیاء بارث میبرند! بهمین اعتبار باید قائل شد که هر کسی را نمیتوان وارث این ماترک دانست بلکه شرط در سهم الارث داشتن قرابت و نزدیکی است ، پس کسانی را از این ماترک سهمی است که فی الواقع شرط وارث بودن را داشته باشد.

از جمله موارد دیگری را که من در راستای مطالعات پراکنده ام در این خصوص ادراک کرده ام این است که یکی دیگر از شروط توفیق در این علم یا فن ، داشتن ایمان به صحت آن است در غیر اینصورت ظاهرا اثراتی آنچنانی در آموزش بر متعلم

باقی نخواهد ماند و چنانچه شاگرد در این مدرسه ایمان و باور به این علم نداشته باشد ، شاید بهره چندانى از آن نبرد!

قصد و نیت اصلی بانیان این علم نجات انسانها و اصلاح امورات معاش و معاد آنها ذکر شده است ولی شرط اصلی در این باره استفاده به صواب و ثواب از فنون این علم میباشد به نیت قربۀ الی الله .

از دیگر لوازم و توصیه های مؤکدی که از سوی علمای اصیل این فن همواره مورد توجه بوده است عدم استفاده سوء از آن بوده است و نیز عدم استفاده ها و بهره های صرفا مادی از آن !

خلاصه توصیه های بزرگان این فنون به طالبان آن بصورت خلاصه در مواردی بوده است که فوقا برشمرده و ذیلا نیز می افزائیم :

مهمترین آنها اعتقاد به خداوند متعال بویژه آنکه هر کاری در این عالم تنها با اذن و اجازه و خواست او قابل عمل میباشد و یعنی فاعل و فعال مایشاء تنها خداست! برای عدم سودجویی هر نااهلی حتی گفته شده است که بایستی از یک فرد عاملی در این علم اجازه صحیح برای عمل بدان اخذ شده باشد بدینترتیب هر کسی نمیتواند خود را عالم این علوم بداند و این در واقع مشابه همان داشتن گواهی و یا تاییدیه و مدرکی است که در علوم طبیعی اشخاص از مراکز معتبر علمی دریافت میدارند !

از جمله شروط اصلی احاطه به این علم عبادت و ریاضت در راه خدا با خلوص نیت میباشد و ظاهرا بدون ریاضت امکان استفاده و صلاحیت در این علم حاصل نمیشود!

طهارت بمعنی اعم خود یعنی پاکی ظاهر و باطن از جمله شروط مهم این علم میباشد بخصوص تاکید ویژه ای به طهارت باطنی بویژه دوری از غیبت و پرهیز از دروغ و دیگر نرنجاندن دل خلق الله !

مراعات ادب ظاهری مانند داشتن وضو و روی به قبله داشتن و خواستن از خدا همانند حالتی که در دعا و یا نماز هستیم ، از جمله شروط کار است !

نهی شدیدی شده است که هرگز به قصد تمتعات دنیوی و بهره های مادی از این علم استفاده نشود!

شرط مهم و اصولی دیگر یقین به آثار و اثر این علم میباشد و این در تمامی مکاتب این علوم ظاهرا مورد تاکید جدی میباشد ! زیرا کسی که خود به صحت این علم

باور نداشته و یا مورد ظن اوست قطعا نخواهد توانست از آن برای تمتع دیگر و رفع مشکلات خلق الله استفاده نماید!

از وصیتهای همیشه تکراری و مهم علمای این فن این بوده است که هرگز فنون این علم را به جاهل و نادان و در یک کلمه نااهل نیاموختن !
توکل بر خدا در هر کاری دارای اهمیت بالاست و در این فن از شروط است !
توکل علی الله !

حروف ابجد

هر علم یا فنی را روش و متد و زبان و ابزاری است ؛ از جمله ابزار مهم و در واقع اصلی ترین وسیله استفاده مطلوب از فنونی که در علوم غریبه بطور کل مورد نیاز و استفاده میباشد ؛ حروف ابجد است .

در تاریخ این علم میگویند حروف ابجد مأخوذ از اسامی پسران یک پادشاهی بود که بترتیب بنام : **ابجد - هوز - حطی - کلمن - سعفس - قرشت - ثخذ - ضظغ** نامیده می شده اند ! حالا در اینکه واقعا این حروف نام پسران پادشاه مورد نظر بوده یا نبوده اند چندان مهم نیست و مهم حروفی ۲۸ گانه است که بترتیب در آن وجود دارد !

حروف ابجد را علمای این فن به دو نوع ۱- **ابجد صغیر** و ۲- **ابجد کبیر** تقسیم بندی کرده اند . در این تقسیم بندی چنانکه خواهید دید ، مهم اعداد متناظر با این حروف میباشد که در واقع تفاوت به صغیر و کبیر را در این باره ایجاد میکنند .

حروف ابجد صغیر : این حروف ۲۸ گانه بصورت زیر بوده که قرینه عددی آن را نیز در برابر آن ذکر میکنیم :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۸	۶	۴	۲

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ساقط	۱۰	۸	۴	۶	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴

ابجد کبیر یا حروف جمل :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

البته مطالبی پیرامون خواص خود حروف ابجد در بعضی از منابع یادآوری و ذکر شده است که اکثر افراد در بادی امر آنرا سرشته با خرافات می بینند که ما نیز برای صحت آن محملی نمی بینیم و تنها برای اطلاع شما از این موارد به دو سه نمونه آن اکتفاء میکنیم . مثلاً گفته شده است که برای تسخیر کس یا کسانی ، هرگاه ۲۸ حرف ابجد را در ورقه ای نوشته و در آب بیاندازید و آب آن را بخورد آنان دهید ، مجرب میباشد! و یا گفته شده است که بر پشت همین ورق نوشته نام دشمن را بنویسند و آنرا به باد آویزان کنند ، دشمن را سرگردان میکند . یا فی المثل گفته اند این کاغذ مذکور را در آتش انداخته دشمن هلاک شده و صدمه و آسیب خواهد دید . و گفتم که شما لازم نیست این موضوعات و یا ادعاها را باور کنید بلکه مهم برای پژوهشگر تشخیص درستی یا نادرستی احادیث و موضوعات منقوله در خصوص این علم میباشد که قبلاً گفتیم شرط اثر و آثار آن ایمان به این علم است . موضوعاتی که جزء ارکان این فن میباشد موضوعات دیگری غیر از این منقولات میتواند باشد .

طالع بینی با استفاده از حروف ابجد

قدما گفته اند هر سال دوازده (۱۲) ماه (برج) دارد و هر ماه را طالعی . گفته اند در زمان حضرت سلیمان (ع) که هر انسانی روزگار او شبیه یکی از این دوازده طالع شده که هر کدام آن خود دارای مشخصات و ممیزاتی است که بجای خود آنها را مطرح خواهیم کرد ؛ و آن دوازده (۱۲) طالع بشرح زیر میباشد : (بروج دوازده گانه)

عدد ماه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
طالع	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
معنی					شیر							ماهی
معادل												

حال چنانچه میخواستند طالع شخصی را پیدا کنند ، ابتدا نام او و بعد نام مادر او را به حساب ابجد کبیر درآورده و با هم جمع کرده و سپس حاصلجمع را بر ۱۲ تقسیم کرده و باقیمانده هر چه بود طالع آن شخص بحساب می آید . اگر زمانی باقیمانده تقسیم فوق عدد صفر (۰) شد باید تنها نام خود شخص را بر دوازده تقسیم کرد و این باقیمانده ملاک میباشد.

چنانکه میدانید حروف عربی ۲۸ حرف می باشد و زبان فارسی دارای ۳۲ حرف ؛ حال اگر اسم فردی بصورتی بود که حروف چهارگانه (گ چ پ ژ) در آن بود باید بطرق زیر عمل کرد : مثلاً اسم فرد ؛ هوشنگ بنت ژاله بود .

ه	و	ش	ن	گ	بن	ژ	ا	ل	ه
۵	۶	۳۰۰	۵۰	خالی	بن	خالی	۱	۳۰	۵
۳۶۱					+	۳۶			

$$۳۶ + ۳۶۱ = ۳۹۷$$

اگر عدد ۳۹۷ را ۱۲ تا ۱۲ تا تقسیم (جدا) کنیم ، به ۳۳ دسته ۱۲ تایی تقسیم شده و لذا خواهیم داشت (۳۹۶) و باقیمانده عدد یک (۱) میشود که طالع هوشنگ معادل برج حمل میشود . گفتیم که در جای خود تفسیر طالع بروج دوازده گانه را خواهیم گفت که بطور خلاصه طالع هوشنگ چون در برج حمل بود پس ؛ دلالت دارد و سخن کسی نشنود و در خواب بیهوده گوید و رنگ وی سرخ شود و فریاد کند و دردسر و قولنج ظاهر شده و حرارت زیاد دارد و اگر کودک باشد زبان و چشم بد رسیده و تب دار گردد و

البته مباحثی مانند اینکه اسامی غیر عربی و فارسی مثل اسامی لاتین تکلیفشان در این محاسبه چیست و امثالهم از جمله مباحث قابل طرحی است که فعلاً ما قصد بررسی آنها در اینجا نداریم و این موضوع از جهات متفاوتی قابل تحقیق و تامل است و در واقع سؤال واردی است !

مثال دیگر : اگر چنانچه بخواهید محاسبه کنید که دو نفر بنامهای (آقای محمد زادهٔ مریم با خانم فاطمه زادهٔ بتول) میتوانند با هم ازدواجی موفق کنند یا نه ؟ یعنی در واقع آیا ستاره این دو نفر با هم جفت بوده و یا همخوانی دارد یا نه ؟ بگونه زیر عمل می کنیم :

بدواً نام شخص و نام مادر او را برای هر دو نفر بحساب ابجد کبیر یا حروف جمل درآورده و بعداً جدا جدا حساب نموده و تقسیم مربوطه را هم انجام میدهم که نحوه آن در مثال قبلی گذشت :

م	ح	م	د	زادهٔ	م	ر	ی	م
۴۰	۸	۴۰	۴	+	۴۰	۲۰۰	۱۰	۴۰
۹۲				+	۲۹۰			

ف	ا	ط	م	ه	زادهٔ	ب	ت	و	ل
۸۰	۱	۹	۵۰	۵	+	۲	۴۰۰	۶	۳۰
۱۳۵					+	۴۳۸			

مجموع چهار اسم بالا میشود = ۹۵۵ حال این عدد ۹۵۵ را بر عدد ۵ تقسیم میکنیم .
اگر باقیمانده تقسیم بالا اعداد یک (۱) یا سه (۳) یا پنج (۵) بشود ؛ این دو به همدیگر می رسند چون ستاره آنها جفت می باشد و تا آخر با هم زندگی میکنند. حال چنانچه باقیمانده تقسیم مذکور اعداد دو (۲) یا چهار

(۴) گردد این دو نفر به هم نمیرسند چون ستاره آنها جفت نمیباشد و تا آخر با هم زندگی نمیکنند! حال اگر باقیمانده تقسیم مذکور عدد صفر (۰) بشود ، معلوم میشود که یکطرف از خانواده طرفین با ازدواج موافق نمی باشند و ستاره آنها بطور قطعی جفت نمی باشد و تا آخر زندگی خانواده طرفین همیشه با هم به طور قهر می باشند.

طبایع چهار گانه

قدما طبع بشر را در یک تقسیم بندی به طبایع چهار گانه (آتشی ؛ خاکی ؛ بادی ؛ آبی) تقسیم میکردند و برای هر یک خواصی را معتقد بودند که بطور خلاصه بصورت زیر میتوان آنها را برشمرد:

طبع آتشی : دائم زود عصبانی شده و زود هم خاموش میشود و البته کینه در دل نگه نمی دارد و همیشه بدن او حرارت دارد و تشنه میباشد و جنگ را زود شروع میکند! **طالع حمل و اسد و قوس آتشی میباشد.**

طبع خاکی : همیشه متواضع و فرتن و ساکت بوده و با حرمت و احترام با دیگران برخورد کرده و با آنان بمسالمت زندگی میکند! **طالع ثور و سنبله و جدی ، خاکی می باشد.**

طبع بادی : مدام مغرور و تندخو بوده و حرکات خود را پنهان از چشم دیگران انجام داده و بسیار زیرک و البته کینه ای میباشد! **طالع جوزا و میزان و دلو ، بادی می باشد.**

طبع آبی : صاحب این طبع همیشه مسرور و شاد است و سه طبع بالا در وجودش ظاهر میگردد و همیشه از دست و زبان به عذاب می افتد! **طالع سرطان و عقرب و حوت ، آبی می باشد.**

خادمین شب

علمای فن را اعتقاد بر آن بوده است که شبها را خادمینی هست با اسامی مشخصی که دارای وظائف مشخصی بخصوص شان خدمت را دارند و لذا چنانچه قصد آنرا داشته باشید که عملی را در موضوعاتی مانند محبت و یا بغض یا احضار و را در شب انجام بدهید ؛ باید خادمین آن شب را نام ببری و در واقع از آنها یاد کنی که گفته اند شرط توفیق در آن عمل هم میباشد . برای این مطلب نیز جدولی بنام جدول خادمین هفته طرح نموده اند که بصورت زیر می باشد :

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
شمعون	دعوان	خراش	خنضر	همعیل	شمردل	
کسفیائیل	روفیائیل	جبرائیل	سمسائیل	میکائیل	صرفیائیل	عنیائیل
للهطیل	فهطیطیل	لخهطیطیل	قهطهیل	جهطلطیل	مهطلطیل	نهططیل

سعد و نحس هفته و ساعات

چنانکه میدانید یک هفته ، هفت روز می باشد و هر روز نیز متعلق به کوکبی می باشد. و هر روز ساعاتی سعد و نحس دارد و هر روز از اول ساعت او که ساعت یک بعدازظهر میشود شروع میگردد. با این وصف :

روز شنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ زحل **نحس** اکبر می باشد.
 روز یکشنبه ؛ ساعت اول یک بعدازظهر؛ شمس **سعد** اکبر می باشد.
 روز دوشنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ قمر **سعد** اصغر می باشد.
 روز سه شنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ مریخ **نحس** اصغر می باشد.
 روز چهارشنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ عطارد **سعد** اصغر می باشد.
 روز پنجشنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ مشتری **سعد** اکبر می باشد.
 روز جمعه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ زهره **سعد** اکبر می باشد.

درباره هر یک از روزهای برشمرده در فوق (ایام هفته) که کوکب آنها را نام بردیم ؛ ذیلا توضیحاتی بیشتر را ذکر میکنیم :

روز شنبه : کوکب او زحل است و در آن روز خدای ناکرده اگر تعویذات و دعاهاى بغض و جدایی و آوارگی نوشته شود احتمالا موثر خواهد افتاد و ملک سفلی میمون ابانوخ می باشد و حاکم بر ملک علوی او کسفاییل میباشد و متعلق به برج دلو بوده و معدن او سرب هست و بخور او شمع سفید و میعه سایله و لادن می باشد.

روز یکشنبه : کوکب او شمس بوده و در آن روز باید تعویذات و دعاهاى کارگشایی و رزق و روزی رونق بازار ، فتح و پیروزی ، بخت گشایی ، محبت ، غلبه بر دشمن ، طلسم دفع دشمن نوشت و ملک سفلی او ابو عبدالله سعید المذهب می باشد و حاکم بر ملک علوی او روفیاییل می باشد و متعلق به برج اسد می باشد و معدن او طلا می باشد و بخور او سندروس می باشد.

روز دوشنبه : کوکب او قمر است و در آن روز باید تعویذات و دعاهاى باطل سحر و رزق و روزی نوشت و ملک سفلی او ابی الحارث می باشد و حاکم بر ملک علوی او جبراییل می باشد و به برج سرطان متعلق می باشد و به معدن نقره می باشد و بخور او لبان نر می باشد!

روز سه شنبه : کوکب او مریخ است و در آن روز تعویذات و دعاهاى شفای مریض باید نوشت و یا بغض و آوارگی دشمن نوشت و ملک سفلی او ابی محرز احمر می باشد و حاکم بر ملوک علوی سمساییل می باشد و متعلق به برج عقرب می باشد و معدن او آهن است و بخور او صندل سرخ است .

روز چهارشنبه : کوکب او عطارد است و در آن روز تعویذات و دعاهاى زبان بندى را میتوان نوشت و ملک سفلى او برقان و یکنى بابى العجائب مى باشد و حاکم بر ملوک علوى میکاییل مى باشد و متعلق به برج جوزا مى باشد و معدن او جیوه و بخور او مقبل ارزق و عنبر مى باشد.

روز پنجشنبه : کوکب او مشتری است و در آن روز تعویذات و دعاهاى محبت ؛ رزق و روزى و کارگشایى و زبان بندى انجام داد و ملک سفلى او شه مورش و هو قاضى الجن مى باشد و حاکم بر ملوک علوى او صرفیاییل مى باشد و متعلق به برج قوس مى باشد و معدن او قلع است و بخور او عود و کافور مى باشد.

روز جمعه : کوکب او زهره است و در آن روز تعویذات و دعاهاى کارگشایى ، رزق و روزى ، محبت ؛ باطل السحر انجام داد و ملک سفلى او ابیض مى باشد و کنیه ابوالحسن زوبعه مى باشد و حاکم بر ملک علوى او عنیاییل مى باشد و متعلق به برج ثور مى شود . و معدن او مس است و بخور او مستكى مى باشد.

جدول ساعات در شبانه روز

عناوین	ساعت ۱	ساعت ۲	ساعت ۳	ساعت ۴	ساعت ۵	ساعت ۶	ساعت ۷	ساعت ۸	ساعت ۹	ساعت ۱۰	ساعت ۱۱	ساعت ۱۲
شب شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
روز شنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
شب یکشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
روز یکشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
شب دوشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
روز دوشنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
شب سه شنبه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
روز سه شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
شب چهارشنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
روز چهارشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
شب پنجشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
روز پنجشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
شب جمعه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
روز جمعه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری

قمر در غرب

ایامى وجود دارند که باصطلاح منحوس و نیز مسعود مى باشند برای اقدام بکارهاى غالبا مهمتر و حساستر زندگى بایستى از این ایام خبردار شد. حتى نوشته اند

چنانچه در این ایام امری بقصد خیر هم اگر سر بزند نتیجه خدای ناکرده معکوس خواهد داد . هر طالع در ماه چند روز قمر در عقرب و نحس می باشد و در این ایام نباید دست بکارهایی مهم مثل سفر یا ازدواج و ... زد. گفته اند تنها در امر بغض و کینه و عداوت و آوارگی ، برای آنشخص که اگر قمر در عقرب باشد ، بطور دائم باقی میماند مگر آنکه باطل شود!

در جدول ذیل ما ایام منحوسه هر طالع را ذکر میکنیم :

ردیف	بروج	توضیحات
۱	حمل	از روز ۱۶ تا نصف روز ۱۸ نحس میباشد.
۲	ثور	از روز ۱۳ تا نصف روز ۱۵ نحس میباشد.
۳	جوزا	از روز ۱۱ تا نصف روز ۱۳ نحس میباشد.
۴	سرطان	از روز ۸ تا نصف روز ۱۰ نحس میباشد.
۵	اسد	از روز ۶ تا نصف روز ۸ نحس می باشد.
۶	سنبله	از روز ۳ تا نصف روز ۵ نحس میباشد.
۷	میزان	از روز ۱ تا نصف روز ۳ نحس میباشد.
۸	عقرب	از روز ۲۸ تا نصف روز ۳۰ نحس میباشد.
۹	قوس	از روز ۲۶ تا نصف روز ۲۸ نحس میباشد.
۱۰	جدی	از روز ۲۳ تا نصف روز ۲۶ نحس میباشد.
۱۱	دلو	از روز ۲۱ تا نصف روز ۲۳ نحس میباشد.
۱۲	حوت	از روز ۱۹ تا نصف روز ۲۱ نحس میباشد.

چند نکته ظاهرا خارج از موضوع و بحث برانگیز :

دعای زبان بندی

گفته شده است که این آیات شریفه را بر روی برگ کاغذ آبی نوشته و سپس آنرا در جای تاریک و مرطوبی دفن کنید ، این آیات را باید نوشت :

بسم الله الرحمن الرحيم

یا الله انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون یا رب الارباب یا الله بستم زبان (مثلا)

جمشید بن چالنگی یا الله یا شکیفی یا قاهر و یا الله .

چند موضوع !!

ذکر یک نکته خاص و تامل و احیانا مخالفت برانگیز آنکه گفته شده که هر گاه دعا یا طلسمی یا تعویضی آتشی برای خود یا کسی نوشتید باید توجه داشته باشید که در آن نامهای اسم اعظم و هر نامی را به حروف ابجد نوشته شود در غیر اینصورت حتما مورد غضب موکلین و رجال الغیب خواهید شد. اسم شخص و یا اسم اعظم را بحروف ابجد نوشت مثلا علی را (۱۱۰) باید نوشت و یا الله را (۶۶) !

یا مثلا ؛ سعید بنت مریم را باین صورت باید نوشت : (۱۴۴) بنت (۲۹۰)
یا گفته شده است که هرگز در شب تعویض ننویسید چرا که بعدا در منزل خود موجب جنگ و نزاع میگردد و میل نوشتن و تصمیم گرفتن با خودتان می باشد.



جفر!

الحمد لله رب العالمین

بعضی از مطالب را نمیتوان و نباید برای همه نوشت . یا مصلحت نیست یا حق انسانهای ذیحق ضایع میشود یا قابلیت نیست یا سوء استفاده را ممکن میسازد یا بدلیل جهالت جهال مورد تمسخر قرار خواهد گرفت و یا شاید زمانش نرسیده باشد و هزار و یک دلیل گفتنی و ناگفتنی دیگر ! بعضی مطالب را باید برای اهلش گفت و نوشت . برای اهل لطف و صفا ! برای افراد صاحب ذوق ! تنها برای طالبان ! و برای اخوان صفا ؛ نه از روی حسادت بلکه از روی غیرت و خود شاید بدانی یا ندانی ! مزد من برای در دسترس بودن این اثر برای شما ؛ پول نیست ؛ سهم مرا یک دعای عاجل و خیر و از روی اخلاص و صمیمیت قرار داده و برای فرزندانم ! بد که نخواستم !

به جدول زیر توجه کنید :

ردیف اول (اساس) . ردیف دوم (نظیره) . ردیف سوم (مستحله) . ردیف چهارم (غرنوینه) . ردیف پنجم (صدر مؤخر) . ردیف ششم (تکیر مراتب) .

اساس	ه	ا	ل	ع	ی	ن	ق	ا	ف	غ	ی	ن	ا	ل	ف	ل	ا	م	ب	ا	ی	ا
نظیره	ص	س	ض	ب	خ	غ	ه	س	ج	ن	خ	غ	س	ض	ج	ض	س	ظ	ع	س	خ	س
مستحله	س	ق	ج	ه	ب	ع	ق	ث	ز	ن	ز	م	ج	ل	ث	ن	ش	ج	ن	م	ط	ع
غرنوینه	ع	د	د	و	ا	س	ر	خ	ح	ل	ح	ن	د	ل	خ	ه	ت	د	م	ن	ی	س
صدر مؤخر	س	ع	ی	ر	ن	د	م	و	ت	ا	ت	س	ه	ر	خ	خ	ن	ج	د	ل	ن	ح
تکیر مراتب	س	ن	ع	ل	ی	د	ر	ج	ن	گ	ز	خ	م	خ	و	ر	د	ه	ا	س	ت	
ح																						

جواب حاصله در ردیف آخر جدول و در ستون (تکیه مراتب) میشود : [حسنعلی در جنگ زخم خورده است]

توضیح بسیار بسیار پوشیده و اشاره وار (صرفا با ادعای اینکه این فن باید از جهال و نااهل پوشیده باشد) در خصوص جواب حاصله و طریقه محاسبه آن علم جفر را بدینصورت داده اند :

سوال فوق چه بوده است ؟ آن بوده که : [احوال حسنعلی در جنگ سیال کوت چگونه بود].

احوال حسنعلی در جنگ سیال کوت

جمع اعداد ۱۱۷۴ حروف ۳۱ نقاط ۱۲ حروف ملفوظی اینست . (در نسخه ای که من در دست مطالعه داشتم حرف ل وجود نداشت و احساس کردم که اشتباه تایپی بوده است و لذا آنرا با رنگ قرمز در داخل حروف جای دادم چون هم در معنی و هم در شمارش تعداد باید اینگونه میشد)

دالعی ن ق ا ف غ ن ا ل ف ل ا م ب ای ا - حروف ۲۲ . والسلام.

چنانکه شنیده اید اصل این فن و یا علم را حداقل در یک مقطع تاریخی به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت می دهند . نقل شده از آنحضرت که فرموده است : " عامل این علم را لازم است که همیشه با وضو باشد و از کلام کذب و فحش زبان خود را نگه دارد تا از این علم نفع یابد ... "

گفته میشود که اهل فن و علمای علم جفر پاسخ را از طریق جفر جامع استخراج میکنند که به آن جفر کبیر گفته میشود.

روشهای استخراج جواب از جفر جامع :

روش نخست :

گفته شده است که استخراج جواب از طریق جفر جامع (جفر کبیر) تحریر کردن ابجد یعنی از دو چهار ابجد است از ۲۸ حروف ۲۸ جزو بر حروف ابجد قرار داده اند و نیز هر حرفی از یک جزوی منسوبست و هر جزو او ۲۸ صفحه است و در هر صفحه ۲۸ سطر و در هر سطر ۲۸ خانه است و در هر خانه چهار حروف دارد و تمام صفحات ۷۸۴ خانه حروف دارد و تمام صفحات ۷۸۴ خانه حرف دارد و تقسیم ۲۸ جزو بر سبعة سیاره است و هر سیاره از هر اقلیمی تعلق دارد و از قیاس یک جزو یک اقلیم و هر صفحه یک شهر و هر یک سطر یک محله است و هر خانه یک مکانی است و در صفحه اول خانه اول جفر جامع ۴ الف می باشد به این ترتیب : (۱۱۱۱) و خانه دوم از سطر اول جزو اول در صفحه اول سه الف و یک ب می باشد به این ترتیب : (۱۱۱ ب)

و خانه سوم از سطر اول جزو اول سه الف و یک جیم می باشد : (ا ج) و خانه چهارم از سطر اول جزو اول سه الف و یک دال می باشد : (ا د) و قس علیهذا تا آخر که چهار غین دارد به این صورت : (غ غ غ غ) .

اگر قصد بر آن باشد که تمامی این حروف را بنویسید باید بسیار دقت کرده و با حوصله تمام و احتیاط کامل این جدول را کامل نموده چرا که حتی یک غلط و اشتباه جزئی باعث خواهد که کل اعمال محاسبه غلط از آب درآید. طریق نوشتن هم بدین نحو میباشد که حرف اول علامت جزو ۲ علامت جزو ۳ علامت صفحه ۳ علامت صفحه ۴ علامت خانه است در استخراج پاسخها و مطالب کلی و جزئی - در هین خصوص از حضرت امیر (ع) منقولست که احوال را استخراج کند و معلوم کند و ببیند که در هر صفحه که احوال ماضی باشد - حروف اول ملفوظی و مکتوبی و مسروری آن را علیحده جدا جدا بنویسد .

ملفوظی بر سه قسم است ؛ حرف اول ملفوظی ۱۳ حرف می باشد ؛ قسم دوم مکتوبی ۳ حرف است و مسروری ۱۲ حرف است .

ملفوظی :

الف	جیم	دال	کاف	لام	سین	عین	صاد	قاف	شین	ذال	ضاد	غین
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳

حرف اول ملفوظی را (زُبر) می گویند و باقی را (بیّنه) .

مکتوبی : (و ی ن)

۱	۲	۳

مکتوبی نیز بقسم ملفوظی است ؛ یعنی حرف اول مکتوبی را (زُبر) و باقی را (بیّنه) گویند .

مسروری :

با	تا	ثا	حا	خا	را	زا	طا	ظا	فا	ها	ما
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲

اما در مسروری یک حرف اول (زُبر) است و دومی (بیّنه) .

حال ؛ حروف هر سه قسم را جدا جدا نموده یعنی ملفوظی جدا، مکتوبی جدا و مسروری هم جدا نوشته شود و برابر او مکتوبی م مسروری نوشته یک سطر استخراج کند؛ بعدا اعراب دهد (اعراب گذاری نماید) عبارت ماضی معلوم خواهد شد. در هر سطری از جفر جامع ، اسم سائل باشد از آن خانه که در سطر اول است آن احوال ماضی است و در هر سطری که با نام باشد آن احوال حال است و سطری که زیر خانه است ، آن احوال استقبال (آینده) است .

روش دوم :

طریقه دیگر استخراج چنین است که تمام اعداد سوال سائل را جمع کند و از او حروف بنا کند و چهار درجه حاصل کند. اول درجه آحاد (یکان) . دوم ، درجه عشرات (دهگان) . سوم ، درجه مآت (صدگان) . چهارم ، درجه الوف (هزارگان) . و از این چهار حروف بنا کند صفحه ؛ جفر جامع معلوم خواهد شد.

روش دیگر :

عده ای از اهل فن میگویند که بدوا سوال سائل را زمام (اختیار) کند یعنی تکسیر صدر و مؤخر تا زمام حاصل آید ؛ بعد از آن تمام حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری را جدا جدا بنویسد ، امتزاج دهد ، هشت صفحه حاصل شود ، بعد اعدادش را جمع کند و اعداد اسم الله ۶۶ است ضرب کند ، بعد حاصلضرب را نصف نماید و آنقدری که عدد باقی ماند ، آن اعداد را بر اعداد بسم الله الرحمن الرحیم ، ۷۸۶ است ، تقسیم نماید و هر چه باقی ماند آنرا با اعداد صفحه سائل جمع کند و حاصل جمع را در صفحات جفر جامع را عددی طولا از اول تا خانه هشتم بنور و فکر ببیند اگر اعداد هر دو خانه و اعداد مجموع مساوی باشند ، اعداد تمام سطر این خانه حاصل کرده صفحه جفر جامع کامل کند و شمار عدد از این اعداد ۲۸ خانه تقسیم کند و بر هر خانه که منتهی شود آنرا جدا بنویسد و همین طور باعتبار هریک صفحه جدا بنویسد و از ترکیب این صفحه چهار حروف برای هر خانه تا هشت صفحه بترتیب بنویسد تا این که طرح ۲۸ عدد تمام شود و از حروف حاصل ۴ قسم برابر کند و هریک قسمی باین ترتیب که بیان شد حروف جدا جدا بنویسد. مثلا حروف قسم اول را طرح ۷۷ کند ، بعد طرح ۶۶ کند ، بعد طرح ۵۵ کند ، بعد طرح ۴۴ کند ، از اول تا آخر همینطور طرح کند و هرچه از طرفی باقی ماند در آخر او را بنویسد یک سطر حاصل شود ، او را بنویسد مگر قسم اول و سیم حروف را که بحال خود بگذارد و حروف قسم دوم را و چهارم را طرح

۷۷ کند، با زطرح ۳ و ۳ کند ۱۱۲ حرف استخراج خواهد شد، بعد جمع حروف زمام را بیاورد بعد تکسیر و صدر مآخر کند بحکم خداوند جواب موافق مطلب حاصل خواهد شد. نظما یا نثرا. (۱)

آموزش پیچیده در قالب اشعار

در ادبیات عهد قدیم برای پرهیز از بیان روشن یک مطلبی که حالت رمز داشته و یا گوینده یا نویسنده قصد آنرا نداشته است که هر خواننده ای بجز اهل فن از آن سر در بیاورد، موارد را در قالب اشعاری قالب بندی میکرده و حتی الامکان با وزن و قافیه شعری هم تطابق میداده است و این طریق را گاهی برای تفریح و یا برخ کشیدن صنعت شعری خود و امثالهم نیز بکار می برده اند. بهر تقدیر در خصوص روش اخذ جواب از فن جفر نیز کسی در قالب پنج بیت شعر یک روش این علم را توضیح میدهد که ما عینا آنرا نقل میکنیم:

سؤال از جفر جامع گر نمایــــی	بکن مستحصله بهر خود آسان
ترفع یا ترقی یا تنــــزل	مساوات کند با اهل عرفان
به قسمت چارکن هر حرف خود را	به جای خود گذار از بهر درمان
تو بدوَح یلّن داده ترقــــع	عصر تخضع ترقی ده دو چندان
تنزل ظ ذ ث شغفــــس	مساوات جهر طلم داخل آن

توضیح مختصرش آن میشود که؛

ابتدا سؤال را بصورت مقطعه بنویسید و جمع کنید عدد او را یک سطر بنویسید، عدد وسیط مجموعی را بگیرید و در پهلوی عدد جمع اصل بنویسید. بعد تعداد حروف به عدد نقاط بنویسید؛ مَلّقب آن عدد حروف علیحده بنویسید. بعد حروف استخراج نمایید.

بعد صدر موخر نمایید نظیره کواکب داده، نظیره بدوَح داده و بعد حروفات را به مطلوب دهد؛ جواب بیرون آید.

در تمامی این مراحل دقت شرط اصلی صحت محاسبه است! حال ما با ذکر مثالی سعی خواهیم کرد که تا حدودی موضوع را بلحاظ تصویر سازی ذهنی؛ کاملتر و باصطلاح نهادینه تر نماییم. مثال:

(سؤال) :

امروز دوشنبه اسماعیل پسر هادی در خانه مسیح خواهد آمد یا نه ؟

گفتیم که اول باید حروف مقطعه سؤال را بنویسیم ، پس بصورت زیر سوال را بصورت حروف مقطعه درآورده و می نویسیم :

ا م ر و ز د و ش ن ب ه ا س م ا ع ی ل پ س ر ه ا د ی د ر خ ا ن ه م س ی ح
خ و ا ه د ا م د ی ا ن ه

در مرحله بعد همانطور که در بالا توضیح دادیم باید جمع کرده و عدد وسیط مجموعی را بگیریم و در پهلوی عدد جمع اصل بنویسیم. با این وصف خواهیم داشت :

عدد اصل ۲۸۱۷ وسیط مجموعی ۱۶۴ حروف ۴۵ نقاط ۹

(حروفی را که دارای بیش از یک نقطه بوده ؛ تنها یک نقطه بحساب آورد مانند پ ؛ وگرنه مجموع نقاط ۱۳ میشد نه ۹)

در مرحله بعد گفتیم که تعداد حروف به عدد نقاط باید بنویسیم ملقب آن عدد حروف علیحده بنویسیم و بعد حروف استخراج نماییم ؛ با این حساب ۹ تا حرف به تعداد ۹ نقطه می نویسیم و ... خواهیم داشت :

ز	ا	ی	ص	ا	د	غ	ی	ن	ق	ا	ف	ه	ا	م	ی	م	ط	ا	ی	ا
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

بعد گفتیم که صدر موخر باید نمود :

ا ز ی ا ی ط ض م ا ی د م ب ا ا ه غ ف ی ا ن ق د ن ا ی ل س

بعد نظیره کواکب :

ایقغ ن ک ث ن ن ث م د ط ن ث ض ط خ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ح غ
بعد نظیره بدوح باید داد:

ا ح ج ش ج د ا ج ا ک ط ذ ج ا ن ه ج ج س ظ ت ا ج ث خ ف ز ج ا و ع

در مرحله بعد گفتیم که حروفات را به مطلوب باید داد:

د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب د خ ث ص خ د ب ه س

مرحله بعد هم بیرون آمدن جواب هست :

د و ش ن ب ه ا س م ا ع ی ل ب س ر ه ا د ی ب ه خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د

دوشنبه اسماعیل پسر هادی به خانه مسیح خواهد آمد.

نظیره ایقغ (ای ق غ ب ک ر ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

دایره احجش ا ح ج ش د ل ه ط س ع ق ت س ب
ب و ن ت ک ل م خ ذ ص غ ر ص زی
طالب مطلوب هر حرف و قرینه

ا	ج	ه	ذ	ط	ک	م	ر	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

قاعده دوم

قاعده دوم را بطور خلاصه بدینصورت تشریح کرده اند که اهل فن ؛ جواب و سؤال سائل را مطابق سؤال حاصل میکنند ، حروف هر سه قسم (یعنی ملفوظی ؛ مکتوبی و مسروری) را امتزاج داده و صدر مآخّر کرده و جواب را حاصل می نمایند . درباره استخراج جواب سؤال از جفر جامع از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که احوال سائلی را دریافت کند فرموده اند که ؛

اسم سائل در هر صفحه ای که معلوم شود از سطر اول آن صفحه تا نام سائل آن ، ماضی است (آنچه گذشته است)

و در سطری که اسم سائل است ، آن زمان حال است

و آنچه بعد از این سطر است آن زمان استقبال است .

و اگر بخواهد که احوال تمام استقبال و حال سائل دریافت کند آن سطرهایی که برای استقبالند خانه او تا د آن بشمارد و هر یک خانه چهار و چهار حروف استخراج کرده و همه را جمع کرده و زُبر بیّنات را جدا کند ؛ بعد از این حروف ملفوظ را جدا کند و مکتوبی و مسروری بنویسد . این قسم تمام حروف را یک سطر بنویسد ؛ بعد از آن سطر را در صدر مؤخرات گردش دهد . وقتی که زمام درآید در سطورات تکسیرات نظر کند اگر جواب سائل درآید بهتر وَاَلّا جواب نیافت ، پس در سطورات دقیقا و کاملا منسوب و مقلوبا و عرض و طول و عمق و قطر نظر کند ، تمام احوال آینده گویا خواهد شد و اگر باز هم گویا نشد سطر او را جدا بنویسد و بر اربعه عناصر حروف گردش دهد و امتزاج

دهد اول آتشی بعد بادی بعد آبی بعد خاکی ، همینطور این چهار حروف را جدا امتزاج داده جدا کند مربع را منسوب و مقلوب کند تمام احوال گویا خواهد شد.

با ذکر مثالی در روشنی این مطلب میکوشیم :

مثال : عناصر اربعه مثلا (ط) آتشی ؛ (ی) بادی ؛ (ک) آبی و (ل) خاکی ؛ مجموع ط ی ک ل می شود ؛ این چهار حروف را منسوب و مقلوب کردیم طیکل ؛ لکیط ؛ یکطل ؛ لطیل ؛ کیطل ؛ و طک لطکی شد ، همین طرح ۴۴ .

و **طریقه دوم** این است که :

اول سطر را به غیر امتزاج داده ، ۴۴ حرف جدا کند و بنویسد و هر چهار قطعه را مقدم و مؤخر کند و اعراب عنصری دهد ، مطلب معلوم میگردد!

طریقه سوم این است که :

که چهار حروف را جدا بنویسد و اعداد جمله کبیر استخراج کرده ، حروف از اعداد پیدا کند و از آن حروف یک سطر بنویسد ؛ صدر و مؤخر کند کل احوال سائل دریافت خواهد شد آن چهار حروف اینها هستند : ط ۹ ؛ ی ۱۰ ؛ ک ۲۰ ؛ ل ۳۰ ؛ جمله عدد (۶۹) شد از این لفظ ؛ سط - طس - بنا کردیم ، این چهار حروف را زبر بینه کرده امتزاج دهد ؛ ط ای اک اف ل ام ج ی ف ق . مجموع (۱۹۳) ج ص ق ثلاثه و تسعین بعد المائه ؛ مقطعه ث ل ا ث ه ث س ع ی ن م ا ت ۹ . این همه تخلص کردیم ث ل ا ه ت س ع ی ن م - شد.

بزرگان و قواعدی از علم جفر

در اکثر آثار مربوط به علم جفر بلااستثناء از اهل بیت (ع) بویژه از حضرت علی (ع) بعنوان استاد این فن ذکر میشود که ما در همین اثر در جا جای آن حسب مورد اشاراتی را داشته و خواهیم داشت. از امام محمد باقر (ع) و امام رضا (ع) و ... از اهل بیت که بگذریم از بزرگان علم و ادب ایران نیز طریقه هایی نقل شده است که ما در زیر به چند نمونه اشاره میکنیم:

اثری بنام سرالاسرار معروف به حلاج الاسرار را که منسوب به **حسین منصور حلاج** میباشد ؛ نیز در خصوص قاعده استخراج جواب سائل ، روشی را طرح نموده است.

گویند در آن اثر نوشته است که ؛ نخست ؛ سؤال را فرد فرد بنویسید ، بعد از آن طالع وقت استخراج کرده اوتاد یعنی خانه اول و ۴ و ۷ و دهم و تمام بروج فرد فرد تحریر کند به این شرط که کل حروف در یک سطر بیایند. بعد بسیط تکسیر کرده تمام

حروف را تخلیص کنند ؛ بعد از صدر و مؤخر زمام حاصل کرده و در عرض و طول و عمق و قطر این جدول ملاحظه کرده ببینند که از یک یا دو کلمه جواب شافی حاصل خواهد شد . بقول مذهب اشراقیه اگر سؤال در فارسی یا عربی یا هندی در هر زبانی که باشد ، جواب ظاهر گردد.

در همین خصوص از **خواجه نصیرالدین طوسی** نیز قاعده ای نقل است که ؛ اول حروف سوال را جدا جدا بنویسند ؛ بعد حروف مکرر و تکراری را بیاندازد ؛ اسم سائل که غیر از تخلیص مذکور در حروف قاطی کند و علیحده بنویسد و اعداد جمع کرده بر منازل قمر تقسیم کند و اگر ۲۸ عدد کم بماند بر حروف ابجد قطب طرح کند و بر هر حرفی که منتهی شود آن حرف را نظیره ابجدی اصلی دهد این مستحصله است و حروفی که از سؤال سائل مستخرج داند آن را اول از حروف ابجد قطب دریافته از ابجد اصلی نظیر داده جدا تحریر کند این مستحصله دیگر است و اعدادی که از مستحصله اول پیدا کرده بودند ؛ آنرا از حرف قطب ابجد حرف سیم و چهارم و ششم و هفتم و نهم از استخراج خانه قطب ابجد آنقدر اعداد که از سوال حروف پیدا شوند هر یک حرف از شمار این خانه استخراج کند این اسمش مستحصله خالص است بدانکه هر وقتی که سائل سوال کند آن وقت قاعده اهل نجوم طالع وقت استخراج کرده برج طالع را معلوم کنند.

قاعده استخراج طالع وقت و استخراج آفتاب عالمتاب – اول دریافت کند که آفتاب در این وقت در کدام برج است و چند درجه طی کرده است و طالع وقت در این بهمهراهی کدام منزل است و قمر در کدام منزل است . آفتاب و بروج و قمر و برج و منزل هر چه در جدولات مآت حروف تقسیم شود از آن جداول حروف استخراج کرده جدا بنویسد این حروف را جمع کرده از قطب ابجد مرتبه دریافته نظیره ابجد اصلی دهد ، این هم اسمش مستحصله است.

قاعده مرتبه حروف ابجد اصلی این است که اول ابجد را بر سه حصه تقسیم کند . اول ، از الف تا طا ؛ مرتبه آحاد است . دوم از ی تا صاد ، مرتبه عشرات است . سوم ، از ق تا ظا ، مرتبه مآت است و غین مرتبه الوف است.

مثلا ؛ اول حروف سوال سائل را تخلیص کند و حروف شماره کرده جدا بنویسد . بعد حروف اسم سائل غیر تخلیص را در حروف تخلیص مذکور شریک گردد ، اعداد هر یک از حروف را از ۹ تقسیم کند. اعدادی که باقی ماند آن را معلوم کند که در آحاد یا

عشرات یا مآتست ، حروفات درجه و مرتبه معلوم گردد جمع کند از عبارت جواب پیدا خواهد شد ،نقش هم این است :

ابجد قطب												
س	و	ا	ل	ع	ظ	ی	م	خ	ق	ح	ز	ت
ص	ن	ذ	غ	د	ب	ش	ک	ض	ط	ه	ج	ث

ابجد اصلی												
اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل
نظيره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
	غ	ظ										

این مثالش چهار حرفی تحریر میشود . این را باید خوب در خیال بیاورد . مثلاً ق ل ص م . این چهار حروف سوال و نام را از ابجد قطب دریافتیم به این ترکیب حرف اول قاف است و اعدادش یکصد می باشد. این را از ۹ تقسیم کردیم ، از صد یک باقی ماند ، اسمش تقسیم آحاد است. از این سه حرفند **ا ب ج** و از ابجد قطب حروف گرفتیم ص ن ذ ؛ بعد از این عدد (ل) ۳۰ این را نیز ۹ تقسیم کردیم ، سه عدد باقی ماند ، اسمش تقسیم عشرات است . حروفش **ی ک ل** و از ابجد قطب این حروف پیدا شد ط ه ج ؛ بعد از این حرفش ص است ۹۰ عدد دارد این را از ۹ تقسیم نمودیم چیزی باقی نماند ، اسمش مات است . حروف ابجد اصلی ق ر ش است و از ابجد قطب ظاهر شد ع ظ ی بعد از این حرف میم است که ۴۰ عدد دارد و این را از ۹ تقسیم کردیم ۴ باقی ماند ، باز اسمش تقسیم آحاد است حروفش از ابجد اصلی این است ؛ د ه و ز ؛ و از حروف ابجد قطب این است غ ر ب ش ؛ از مذکور چهار حروف این کل حروف حاصل شد : ص ن ذ ط ه ج ع ظ ی غ ر ب ش ، همینجور استخراج کرده نظیره دهد بعد سائل را جواب دهد . انشاء الله تعالی .

در بیان مداخل وفق زوجی

واضح باد که رفق زوجی دو قسم دارد :

قسم اول زوج مطلق دوم زوج زوج فرد زوج مطلق اسم ۴ حرفی یا ۶ حرفی یا ۸ حرفی یا ۱۰ حرفی یا ۱۲ حرفی .

دوم، زوج فرد اسم ۳ حرفی یا ۵ حرفی یا ۹ حرفی یا ۱۳ حرفی .

مثلا زوج مطلق اسم متعال ۶ عدد دارد و زوج فرد اسم متکبر ۵ حرف دارد. این هر دو را جدا جدا و مفرد مفرد در جداول نوشتیم :

متکبر						متعال					
م	ت	ک	ب	ر		م	ت	ع	ا	ل	ی
ب	ر	م	ت	ک		ت	ا	ی	م	ع	ل
ت	ک	ب	ر	م		ا	م	ل	ت	ی	ع
ر	م	ت	ک	ب		ی	ل	ا	ع	ت	م
۳	۴	۵	۱	۲		ع	ی	ت	ل	م	ا
ک	ب	ر	م	ت		ل	۵	ع	۳	م	۱

علیم					ابتث				
ع	ل	ی	م		ا	ب	ت	ث	ج
ی	م	ع	ل		ج	ا	ث	ب	ت
م	ی	ل	ع		ت	ج	ا	ب	ث
۲	۱	۴	۳		ث	ا	ج	ب	ت
ل	ع	م	ی		ب	ث	ج	ا	ت

بیان مداخل تکسیر منصوب الطرفین را بدانکه حروف سطر را در خانهای طاق یا جفت یک یک حرف از هر دو طرف بنویسد تا زمام آید یعنی سطر اول در آخر پیدا شود اسمش تکسیر منصوب الطرفین است و این مثالش است (نقش این است) :

ا	ه	ط	م		ا	ه	ط	م
م	ا	ط	ه		م	ا	ط	ه
ه	م	ط	ا		ه	م	ط	ا
ا	ه	ط	م		ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب
ب	م	ه	ف	ش	ط	ا	ذ
ط	م	ذ	ب	ف	ش	ه	ا
ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب

در بیان مقلوب التکسیر بدانکه حروف سطور در خانهای طاق یا جفت یک یک حرف هر سطر را بنویسید لکن هر دو سطر حرف اول قائم باشد بر این مثال :

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل
ی	غ	ک	ج	ل	ر	ب	ق	ا
غ	ج	د	ق	ا	ب	ل	ک	ی
ج	ق	ب	ک	ی	ل	ا	ر	غ
ق	ک	ل	د	غ	ا	ی	ب	ج
ک	ر	ا	ب	ج	ی	غ	ل	ق
ر	ب	ی	ل	ق	غ	ج	ا	ک
ب	ل	غ	ا	ک	ج	ق	ی	ر
ل	ا	ج	ی	ر	ق	ک	غ	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل

در بیان تکسیر زوج بدانکه تکسیر زوج این را می گویند حروف جفت و سطور جفت باشد دو حرف از سطر بردارد بر تمام سطر عمل برابر کند. خانه های طاق بدانکه تکسیر معکوس آنرا گویند حروفی را که از سطر بردارند و بموجب قاعده تحریر کنند و مثال اینست.

ا	ی	ق	غ
ق	ی	غ	ا
غ	ی	ق	ا
ا	ی	ق	غ

نقش این است :

ا	ی	ق	غ	ب	ک
ک	ق	ب	ی	غ	ا
ی	ب	ک	ق	ا	غ
ق	ک	ا	ب	غ	ی
ب	ا	غ	ک	ی	ق
ک	غ	ی	ا	ق	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک

پی نوشت علم جفر :

(۱). این مطالب با استناد و استفاده از نسخه فردی بنام آقای محمد عطاری تنظیم شده است که بنظر میرسد یا تعدد داشته که این همه مقلق بنویسد و یا آنکه توان جمع و جور کردن و سلیس و روان نویسی را این بنده خدا نداشته است ؛ زیرا همانگونه که ملاحظه میفرمایید ، بسیار بد و با انشایی ضعیف توضیح داده است ولی بهر حال باید از او تشکر کرد که بالاخره با خست کمتری ، تلاشی برای همین مقدار آموزش را هم داشته است !



بنام خدای علیم و حکیم

اسرار رمل (۱)

□ شرایط اشکال

□ قواعد متفرقات

□ صفت اشکال

□ احکام خانها و طریق احکام گفتن رومیان و.....

بعنوان مقدمه :

گفته شده است شرائط نخست رمل آنستکه وقت آنرا بدانیم و با اعتقاد کامل به آن به عمل بدان پرداخته شود نه آنکه به قصد تست و آزمایش آن . ذهن و ضمیر و خاطر از اشتغالات دیگر پاک ساخته و با توسل به حضرت رب العالمین خواستار کشف حقائق شود ! در تمامی علوم غریبه تاکید بر ایمان و باور بدان از ارکان اصلی آموزش و اشتغال بدان ذکر شده و میشود و گویا از این جهت این فنون و علوم بیشتر به ادعیه ماند که برای اجابت بایستی ایمان و ایقان کامل بروا شدن آن داشت!

دستور است که بعد از توجهات فوق این آیت هفت بار خوانده شود : " و عنده مفاتح الغیب لا يعلمها الا هو و يعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا يعلمها و لا حبه فی ظلمات الارض

و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین " توصیه شده است که سه بار و یا اگر نتواند لااقل یک بار بخواند و اولی آنست که اول صلوٰه بر محمد و آل محمد (ص) و بعد فاتحه بخواند و سوره انا انزلنا را سه (۳) مرتبه و صلوٰه پانزده (۱۵) مرتبه بخواند و سپس قرعه بیاندازد و یا آنکه نقطه بریزد . اگر خواسته که نقطه انداخته باید که از جانب یسار (راست) مقدم کرده و بطرف یمین (چپ) برود و چهار سطر از نقطه بهمین طریق که بریزد که هر سطر کمتر از شانزده نقطه نباشد تا یک شکل حاصل شود و همین چهار سطر چهار سطر نقطه ریزد تا چهار شکل که آنرا " **امهات رمل** " گویند حاصل شود و از ساعتی که مناسب رمل زون نباشد اجتناب نماید ؛ که آن بیان نماز پیشین و نماز دیگر است و وقتی که ابر باشد و اصحاب این عمل را بتجربه معلوم شده که در این اوقات حقیقت حال سائل خوب معلوم نگردد و وقتی که پسندیده آید ، پیش اول از شب که خلق آرمیده باشد و آمد و شد مردم منقطع شده باشد ، خاصه که ابر و باد و صاعقه نباشد !

فصل اول : در شرائط اشکال و آنچه که در این علم ضروری تر باشد.

اشکال	توضیحات				ملاحظات
	طبـع و	سعد و	کـواکب	متعلق به	
.....	نحس	و	روز		
مشرقی و ناری	سعد اکبر	متعلق بمشتری	پنجشنبه	سه خط افقی روی هم و یکنقطه بالای آن	
مغربی است	سعد	آفتاب و ماده	یکشنبه	دو خط افقی و دو نقطه یکی در میان	
آتشی	نحس	راس و مذکر	سه شنبه	مثل بالا نقطه برعکس (بالاست)	
جنوبی	سعد	عطارد و ممتزج	چهارشنبه	چهار خط افقی روی هم	
مغربی	سعد	زهر منقلب و ماده	جمعه	مثل شکل تقسیم	
جنوبی	نحس	زحل منقلب و ماده	شنبه	دو خط افقی دو نقطه بالا و پایین	
جنوبی	نحس	زحل منقلب و ماده	شنبه	سه خط افقی و یک نقطه در پایین	
مغربی	نحس	مریخ ثابت و مذکر	سه شنبه	سه خط افقی و یک نقطه زیر خط بالا	
شمالی	سعد	قمر و ماده	دوشنبه	برعکس بالایی	
مشرقی	سعد خارج	آفتاب و مذکر	یکشنبه	دو خط و دونقطه بالای آنها	
آبی و شمالی	سعد داخل	مشتری و مونث	پنجشنبه	برعکس بالایی	
مشرقی	نحس	ذنب و مذکر	شنبه	یک خط و سه نقطه بالای آن	
آبی	نحس	مریخ و منقلب مذکر	سه شنبه	یک خط و یک نقطه بالا و دو نقطه پایین	
مغربی	سعد داخل	زهره و ماده	جمعه	یک خط و سه نقطه پایین	
جنوبی	سعد	عطارد و ماده و ممتزج	چهارشنبه	دو خط و دو نقطه داخل آنها	
شمالی	سعد	قمر و برج سرطان	دوشنبه	چهار نقطه روی هم	

حدود اشکال را نیز بطرق زیر ترسیم کرده اند :

حد مشرق	حد مغرب	حد شمال	حد جنوب

ضروریات اشکال لحيان :

..... تعلق بمشتری دارد و سعد اکبر است و مذکر مشرقیست و ناری است پس دلالت دارد بر خویشتن داری و پارسایی و از مواضع بکوههای بلند و قصرهای عالی و مدارس و مساجد و بر چیزهایی که اولش باریک باشد و آخرش پهن باشد و از الوان سفیدی که تمایل بزردهی دارد و از

طبقات مردم سادات عظیم الشان و علماء و قضات و اشراف و از صورت انسان مردی کوتاه گردن نه فربه و نه لاغر بلند بالا و تمام هیکل و کوچک سر، بزرگ ریش، دراز بینی، خندان روی، شیرین سخن، خیرخواه مردم، پس ضمیر او سوال سائل اگر از سفر بود یا احوال غائبی یا وصلت یا نکاحی بود پس این چون؛

بخانه اول باشد دلالت کند بر خوشدلی و تندرستی و افتادن سفر به ارادت و اگر دزد چیزی برده باشد بدست آید و اگر در خانه ۲ باشد دلالت کند بر افتادن سفر نزدیک و برآمدن از سفر برعا و خوبی حال برادران و خواهران و خرج کردن مال به ارادت و جدا بودن از اخوان و خویشان، و اگر در خانه ۳ باشد دلالت کند بر سفر نزدیک و نیکو بودن احوال خود و برادران و اقوام؛ و اگر در خانه ۴ باشد دلالت کند بر خروج از مقام خویش بخوشحالی و دلالت کند بر رسیدن خبرهای خوش از دوستان و اشنایان و کسان خود و بوجود فرزند شاد بودن، و اگر در خانه ۵ باشد دلیل بود بر خوشحالی فرزندان و معشوق و طلب فرزند و رسیدن خط و خبر و یافتن تحفه و هدیه و خروج کردن فرزندان،

و این ماجرا ادامه دارد

توجه: بیشتر این مطالب همانطوریکه ملاحظه نموده اید نقلی بوده و بصورت گلچین و تلخیصی بوده و دلیل بر قبول یا ناقبول راقم و گردآورنده این سطور نمیشد. اما بسیار تلاش کردم تا این فنون را که بسیار مورد توجه و علاقه و کنکاش اهل تحقیق و بخصوص جوانان اهل علم و فرهنگ میباشند، بزبانی ساده و رسا برای مخاطبین بررسی و مطرح نمایم.

محمود زارع (مازندران . ساری . سورین)



mahmoud

پاورقی اسرار رمل :

(۱) . جزوه کلیات مستطاب سرخاب رمل / نادرالرمل / شیخ عبدالله معین